



آیت‌الله محمد خاتمی

آنچه در پی می آید بخشی از مقاله سوم کتاب «بیم موج» نوشته آقای سید محمد خاتمی است. وی در ابتدای این مقاله، به دو تماس مهم و تاریخی غرب با دنیای اسلام اشاره می کند و سپس به توصیف مختصری از زمینه های شکل گیری لیبرالیسم و سرمایه داری می پردازد و آنگاه توضیح می دهد که در یک قرن گذشته، کشورهای اسلامی شاهد سه نوع واکنش در برابر غرب بوده اند: الف) تسلیم و پذیرش محض، ب) انکار و نفی کامل، ج) مقابله مبتنی بر خودباوری و استقلال با اتکای عمیق و همه جانبه بر اسلام اصیل.

نوشتار حاضر، توضیحی است بر واکنش سوم که در ذیل آن، عملکرد کم بدیل شهید آیت الله صدر، بررسی و بازبینی شده است.

حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی

## درک زمان، درد دین...

اندیشه و جهانگیری و جهانخواهی در صحنه سیاست بود و پر واضح است که مقابله درست و سنجیده با این حرکت، در گرو تولد نیروی فکری و جهادی تازه و متناسب با اوضاع و احوال جدید بود تا جهادگران اندیشمند، در عین خودباوری بتوانند مدافع اسلامی باشند که علاوه بر رد و نفی مبانی مادی و الحادی مکاتب توطئه‌ور، هم سئوالات تازه‌ای را که این مکتبها مطرح می کردند و بشر عهد جدید می کوشید با توسل به آنها، پاسخی مناسب برای آنها بیابد، بشناسد و هم با دیدی باز بکوشند تا در عین وفاداری به مبانی اصلی و مسلم دینی پاسخهای در خوری را برای پرسشهای یاد شده ارائه کنند.

عظمت شخصیت بزرگانی چون علامه شهید صدر، نه تنها در دانش وسیع دینی و علمی و اجتماعی آنان که در زمان شناسی و تلاش ارجمندها برای نمودن راه به حقیقت جوان و حق طلبان در هنگامه روزگار پر ماجرا و پرتیش کنونی، با زبان و اندیشه‌ای بود که تعلق به زمان کنونی و انسان امروز دارد.

گفتنی است که از همان آغاز برقراری تماس غرب با چهره و وضع جدیدش با دنیای اسلام، تلاشهای چندی برای مقابله با آن و دفاع از اسلام در برابر امواج تهاجم فلسفی و فکری و تجاوز سیاسی و اقتصادی و نظامی قدرت تازه نفس استعمار و پیشقراولان آن صورت گرفته است که هر کدام در جای خود شایسته احترام و منشأ تأثیر در جهتگیریها و حرکتهای کارساز بعدی هستند. البته در دنیای تازه، با مکتبهای گوناگون، بازار رد و نقد مکتبها توسط یکدیگر، گرم است و هر دو جناح فکری تمدن غرب، در نقض و نقد و ابطال دیگری، کتابها نوشته و مطالب مبسوطی منتشر کرده اند؛ اما نکته مهم این است که کدام نفی و نقد از پایگاه اثباتی اسلام صورت گرفته و در این مهم تا چه حد موفقیت حاصل شده است؟

همان طور که نفی مطلق غرب، مانع از نفوذ آن نشد، نقد فلسفی و علمی مکتبهای غربی نیز، هر چند سنجیده و موزون و مفید باشد، به تنهایی برای رهایی از سلطه غرب کافی نیست، مگر آنکه از سر انصاف و آگاهی صورت گیرد و در پی آن، راه‌حلی نیز برای مشکلات و مسائل عرضه شود. ناآشنایی با اسلام از یک سو و ناآگاهی درست از غرب (که تنوع و تجلیات گوناگون دارد) از سوی دیگر و نشناختن حساسیت و پیچیدگی موضوع و برخورد سطحی با آن، گاه در این عرصه به جهل مرکب می انجامد و حاصلی جز رها کردن خود و جامعه در طوفان حوادث سهمگین و پیاپی

مسلمانان است که جز در دورانیهای کوتاهی از حیات تاریخی خود، همواره محکوم ستم مستکبران و ستمکاران بوده‌اند.

در واقع، شهید صدر مؤید حرکت دوران سازی است که از دهه‌سال پیش به رهبری پیشوای والائنگر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی، به رغم همه مشکلات ذهنی و عینی، با هدف سرنگونی نظام طاغوت و استقرار حکومت اسلامی و وصول به استقلال و آزادی آغاز شد و با درایت پیشوا و به برکت تحولی که در جان جامعه ایران ایجاد شد، مالا به تحقق جمهوری اسلامی انجامید و امیدهای ۱۴ قرنه مجاهدان راه حق و مجتهدان فرزانه در تاریخ خونبار اسلام را به واقعیتی عینی مبدل ساخت.

تلاش ارجمند شهید صدر را کسانی قدر می دانند که از یک سو با همه وجود، معتقد به اسلام و خواستار عظمت و حاکمیت آند و از سوی دیگر، با اوضاع و احوال پیچیده و پر تیش جهان کنونی و آنچه در عمق زندگی و زمانه ما می گذرد، آشنایند.



**در مواجهه با غرب، در میان مدافعان اسلام اصیل و عزت مسلمانان، چهره بزرگوارانی چون شهید صدر و شهید مطهری در مقطع اخیر تاریخ اسلام، درخشندگی خاصی دارد و در واقع، جهاد فکری این بزرگان، باب تازه‌ای را در تاریخ تفکر و جهاد اسلامی گشوده است.**

پیش تر به اشارتی بیان شد که تمدن و فرهنگ جدید غرب، تنها به نفی بنیادهای فکری و اجتماعی مورد باور و انس و عمل ملت‌های دیگر اکتفا نکرد؛ بلکه به صورت مکتبهای منظم و مبتنی بر بینش و اندیشه‌های تازه، راه و رسم نظام یا نظامهای جدیدی را برای زندگی پیش روی ملت‌ها نهاد. مقتضای ذاتی حرکت جدید، جهان شمولی در عرصه

در مواجهه با غرب، در میان مدافعان اسلام اصیل و عزت مسلمانان، چهره بزرگوارانی چون شهید صدر و شهید مطهری در مقطع اخیر تاریخ اسلام، درخشندگی خاصی دارد و در واقع، جهاد فکری این بزرگان، باب تازه‌ای را در تاریخ تفکر و جهاد اسلامی گشوده است.

این جریان مبتنی است بر بینش وسیع و اجتهاد کارساز و متناسب با مقتضیات زمان، در راستای شناخت و شناساندن اسلام به عنوان آیینی جامع و کامل و برخوردار از قوت و متانت و قادر به تضمین سعادت انسان در دنیا و عقبی و پرورنده و اداره کننده جامعه‌ای متعادل بر پایه عدل و قسط. تأثیری که این گروه از متفکران که چندان زیاد هم نیستند، بر حیات فکری و اجتماعی جوامع اسلامی گذاشتند و می گذارند، عمیق و دیرپا و در واقع زمینه ساز تحولی اساسی در تاریخ امت است، تحولی که مسلمانان را آماده ورود به عصری تازه می کند و در پناه این تحول روحی و فکری، اسلام بستر مناسب خود را به منظور دستیابی به آفاق جدید حیات و بروز توانیهای شگفت انگیز در تفسیر زندگی حقیقی انسانها و سیر به سوی کمال و سعادت واقعی می یابد و چشم انداز روشن و امیدبخشی را به روی اهل فکر و ذکر در جهان اسلام می گشاید.

بحث درباره شخصیت فکری و اجتهادی شهید عالیمقام، آیت الله مطهری را که از نمایندگان برجسته این جناح و جریان است، به مجال دیگری وا می گذاریم و در اینجا به تناسب موقعیت، اجمالاً درباره شخصیت ممتاز یکی دیگر از چهره‌های درخشان حرکت سرنوشت ساز تفکر اسلامی، شهید بزرگوار، آیت الله سید محمدباقر صدر و مکانت والای او در حوزه اندیشه و جهاد اسلامی، مطالبی را بیان می کنیم.

شهید صدر، مجتهدی مجاهد و فقیهی توانا و شخصیتی مسلط بر فلسفه و کلام و معارف و نابغه ای است که بزرگ ترین شاخصه تلاش فکری و اجتهادی او تلاش برای ارائه نظریه‌های مبتنی بر روش علمی و منطقی در برابر مکتبهای پر آوازه جدید و طرح اسلام به عنوان مکتبی برتر است.

نکته برجسته دیگر در اجتهاد علمی و جهاد فکری این بزرگوار که در واقع ثمره دید اول است، اثبات توانایی اسلام برای اداره جامعه بشری و نیز مجاهدت برای استقرار نظام اسلامی به جای نظامهای صرفاً بشری و در مقطع اخیر، بنیادهای کفرآمیز غربی و شرقی، بنا بر باور وی، این، مبرم ترین وظیفه عالمان دین باور اسلام و مهم ترین رسالت

دو قلمرو طرح می‌شوند:

۱. سیستم کامل اقتصاد اسلامی:

سیستم کامل اقتصاد اسلامی در جامعه اسلامی در پناه دولتی مسلمان، بر پایه فرامین اسلام و جانشین الهی، در پرتو شریعت آسمانی برپا می‌شود.

۲. سیستم محدود اقتصاد اسلامی:

سیستم محدود اقتصاد اسلامی، سلسله فرامینی است که به منظور تدوین دستورات اقتصادی برای فردی معتقد و مسلمان که در جامعه‌ای غیر اسلامی می‌زید؛ طرح می‌شود. در این سیستم، هدف، تثبیت نظامی اقتصادی برای جامعه اسلامی نیست؛ بلکه راهگشایی برای فردی با ایمان و معتقد به مکتب اسلام است که در جامعه‌ای ناصالح و غیراسلامی زندگی می‌کند و می‌خواهد تا حد امکان، کردار و سلوکش بر پایه اسلام باشد. میان این دو حالت، تفاوتی ژرف حاکم است و در نتیجه، اختلاف زیادی میان این دو سیستم اقتصاد اسلامی دیده می‌شود.

سیستم اقتصاد اسلامی دیده می‌شود. و آنگاه در چند بند، تفاوت‌های عمده این دو طرح بیان می‌شوند. مؤلف، کتاب یاد شده را حاصل تلاشی معرفی می‌کند که برای ارائه سیستم کامل اقتصاد اسلامی صورت گرفته و با حضور حاکم اسلامی، معنا و امکان استقرار پیدا می‌کند. همان‌طور که اشاره شد، کوشش ارجمند آیت الله شهید صدر، معطوف به معرفی مکتب اسلام در برابر مکتب‌های دیگر است. البته امروز هم کسانی در حوزه‌های علمی و فکری هستند که هنوز بزرگ‌ترین خدمت به اسلام را در مبنای فکری و اعتقادی نظام‌های اجتماعی رایج و مطرح می‌دانند و در این راه خدایمانی هم کرده‌اند؛ اما اگر سؤال شود که به جای نظام اقتصاد آزاد یا اقتصاد سوسیالیستی، چه راه و رسم و نظام فکری و ارزشی را معرفی می‌کنید که ملت و حکومت ما با تمسک به آنها، سیاست اقتصادی و بنیاد زندگی جمعی خود را مشخص کند؛ یا از دادن راه حل عاجز می‌مانند و یا مجموعه‌ای از مقررات حقوقی و قانونی و مالی اسلام را که فقه اسلام متکفل بیان آن است، معرفی می‌کنند و می‌گویند با وجود فقه غنی و پر

**عظمت شخصیت بزرگانی چون علامه شهید صدر، نه تنها در دانش وسیع دینی و علمی و اجتماعی آنان که در زمان شناسی و تلاش ارجمندشان برای نمودن راه به حقیقت جویان و حق‌طلبان در هنگامه روزگار پر ماجرا و پرتیش کنونی، با زبان و اندیشه‌ای بود که تعلق به زمان کنونی و انسان امروز دارد.**

این مجمل، مقدمه‌ای بود تا به بیان ویژگی برجسته دیگری در شخصیت شهید صدر برسم و آن این که آن بزرگوار، حرکت را از پایگاه معارف و فقه اسلامی آغاز می‌کند و با هوشیاری و درایت و انصاف به نقد مکتب‌های مخالف می‌پردازد و می‌کوشد تا در نهایت، ذهن مخاطب با انصاف خود را قانع کند که اسلام، آیینی جامع و حکومت اسلامی، هدف اصلی حرکت فکری و جهادی مسلمانان راستین است. به نظر من، اندیشه حکومت اسلامی محور مطالعات و کلید فهم آرای بلند وی در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی است. در این جا لازم است به نمونه‌ای از آرای روشن و صریح ایشان در این مورد اشاره کنم.

آنچه در اقتصاد اسلامی مورد نظر شهید صدر است، نظام کامل اقتصاد اسلامی است و لازمه برخورداری از چنین نظامی به رأی ایشان، وجود حکومت اسلامی است. شهید بزرگوار در مقدمه کتاب «خطوط تفصیلیه عن اقتصاد المجتمع الاسلامی» که به عنوان «طرح گسترده اقتصاد اسلامی» به فارسی برگردانده شده است؛ چنین می‌فرماید: «این دستورات (احکام) و ثروت در اسلام) از دیدگاه اسلام در

نخواهد داشت و نیز تا حاکمیت اسلام را نپذیریم، باور نخواهیم داشت که اسلام باید از عهده برآوردن نیازهای واقعی و مادی انسان روزگار برآید و در میدان زندگی بشر امروز، برنده، مکتبی است که برای سؤالها، پاسخ و برای رفع نیازها و اقیاع آدمیان، راه حل ارائه دهد؛ گرچه ممکن است همه پاسخها و راه حلها، کامل و بسیاری از آنها درست نباشند.

در دنیای اسلام کسانی را داشته‌ایم که در باره سوسیالیسم و لیبرالیسم تأملهایی داشته و آنها را نقد و رد کرده‌اند؛ اما به خاطر محرومیت از ویژگی‌هایی که بعضی از آنها را پیش تر بر شمردم، از معضلات جوامع اسلامی چندان گره ای نگشوده‌اند و آنها را همچنان در تاروپود نیرومند تفکر غرب رها کرده‌اند.

عده‌ای تحت تأثیر نفرت از غرب سرمایه داری، برای ابطال آن به همان معیارهایی تمسک جسته اند که رقیب سرمایه داری، یعنی سوسیالیسم، بدانها متوسل شده است؛ هر چند ممکن است این عده در مرحله اثبات سوسیالیسم و پذیرش آن به عنوان راه نجات به توفیقی دست نیافته باشند. عده‌ای دیگر در اثر احساس خطر از جنبه الحادی سوسیالیسم مارکسیستی و متأثر از مظالم نظام‌های سوسیالیستی، به باطل نمایاندن این مکتب اهتمام ورزیده اند، بولی ناخود آگاه به هیئت مبلغان سرمایه داری در آمده‌اند و مگر آنان برای کوبیدن مارکسیسم که نافی مالکیت خصوصی است و به اسم دفاع از اصل مالکیت که مورد قبول اسلام نیز هست و برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم و اثبات حقایق اسلام، به اصل عرضه و تقاضا که یک اصل علمی در اقتصاد سیاسی است و در جوامعی که اقتصاد باز دارند، صادق است، به عنوان یک معیار ارزشی در روابط اقتصادی متمسک شده‌اند؟!

به هر حال ناآگاهی و عدم اشراف کامل بر مبانی و احکام اسلامی سبب می‌شود که گاه نظرات مارکس و گاه آرای سرسخت‌ترین بنیانگزاران لیبرالیسم اقتصادی همچون آدم اسمیت، به نام اسلام ترویج شوند.





کنونی و انسان امروز دارد. گفتنی است که از همان آغاز برقراری تماس غرب با چهره و وضع جدیدش با دنیای اسلام، تلاشهای چندی برای مقابله با آن و دفاع از اسلام در برابر امواج تهاجم فلسفی و فکری و تجاوز سیاسی و اقتصادی و نظامی قدرت تازه نفس استعمار و پیشقراولان آن صورت گرفته است که هر کدام در جای خود شایسته احترام و منشأ تأثیر در جهتگیریها و حرکتیهای کار ساز بعدی هستند. البته در دنیای تازه، با مکتبهای گوناگون، بازار رد و نقد مکتبها توسط یکدیگر، گرم است و هر دو جناح فکری تمدن غرب، در نقض و نقد و ابطال دیگری، کتابها نوشته و مطالب میسوطی منتشر کرده اند؛ اما نکته مهم این است که کدام نفی و نقد از پایگاه اثباتی اسلام صورت گرفته و در این مهم تا چه حد موفقیت حاصل شده است؟ همان طور که نفی مطلق غرب، مانع از نفوذ آن نشد، نقد فلسفی و علمی مکتبهای غربی نیز، هر چند سنجیده و موزون و مفید باشد، به تنهایی برای راهیابی از سلطه غرب کافی نیست، مگر آنکه از سر انصاف و آگاهی صورت گیرد و در پی آن، راه‌حلی نیز برای مشکلات و مسائل عرضه شود. ناآشنایی با اسلام از یک سو و ناآگاهی درست از غرب (که تنوع و تجلیات گوناگون دارد) از سوی دیگر و نشانختن حساسیت و پیچیدگی موضوع و برخورد سطحی با آن، گاه در این عرصه به جهل مرکب می انجامد و حاصلی جز رها نخواهد داشت و نیز تا حاکمیت اسلام را نپذیریم، باور نخواهیم داشت که اسلام باید از عهده برآوردن نیازهای واقعی و مادی انسان روزگار برآید و در میدان زندگی بشر امروز، برنده، مکتبی است که برای سؤالات، پاسخ و برای رفع نیازها و اقیاع آدمیان، راه حل ارائه دهد؛ گر چه ممکن است همه پاسخها و راه حلها، کامل و بسیاری از آنها درست نباشند. در دنیای اسلام کسانی را داشته‌ایم که در باره سوسیالیسم و لیبرالیسم تأملهایی داشته و آنها را نقد و رد کرده‌اند، اما به خاطر محرومیت از ویژگیهایی که بعضی از آنها را پیش تر بر شمردم، از معضلات جوامع اسلامی چندان گره ای نگشوده اند و آنها را همچنان در تاروپود نیرومند تفکر غرب رها کرده‌اند.

عمل ملتهای دیگر اکتفا نکرد؛ بلکه به صورت مکتبهای منظم و مبتنی بر بینش و اندیشه‌ای تازه، راه و رسم نظام یا نظامهای جدیدی را برای زندگی پیش روی ملتها نهاد. مقتضای ذاتی حرکت جدید، جهان شمولی در عرصه اندیشه و جهانگیری و جهان‌خواری در صحنه سیاست بود و پر واضح است که مقابله درست و سنجیده با این حرکت، در گرو تولد نیروی فکری و جهادی تازه و متناسب با اوضاع و احوال جدید بود تا جهادگران اندیشمند، در عین خودباوری بتوانند مدافع اسلامی باشند که علاوه بر رد و نفی مبانی مادی و الهجادی مکاتب نوظهور، هم سئوالات تازه‌ای را که این مکتبها مطرح می‌کردند و بشر عهد جدید می‌کوشید با توسل به آنها، پاسخی مناسب برای آنها بیابد، بشناسند و هم با دیدی باز بکوشند تا در عین وفاداری به مبانی اصلی و مسلم دینی پاسخدهای در خوری را برای پرسشهای یاد شده، ارائه کنند. عظمت شخصیت بزرگانی چون علامه شهید صدر، نه تنها در دانش وسیع دینی و علمی و اجتماعی آنان که در زمان شناسی و تلاش ارجمندشان برای نمودن راه به حقیقت جویان و حق طلبان در هنگامه روزگار پر ماجرا و پرتیش کنونی، با زبان و اندیشه‌ای بود که تعلق به زمان

**صدر به عنوان اسلام شناس روشن بین، به صحنه دفاع از اسلام گام می‌نهد. او متفکری است برآمده از متن پر برکت حوزه علمی اسلامی و فقیه‌ای است زبردست و صاحب نظر که به سنتهای اساسی اجتهاد معتبر اسلامی سخت پایبند است، بدون اینکه در دام جهود گرفتار آید.**

در مواجهه با غرب، در میان مدافعان اسلام اصیل و عزت مسلمانان، چهره بزرگوارانی چون شهید صدر و شهید مطهری در مقطع اخیر تاریخ اسلام، درخشندگی خاصی دارد و در واقع، جهاد فکری این بزرگان، باب تازه‌ای را در تاریخ تفکر و جهاد اسلامی گشوده است.

این جریان مبتنی است بر بینش وسیع و اجتهاد کار ساز و متناسب با مقتضیات زمان، در راستای شناخت و شناساندن اسلام به عنوان آیینی جامع و کامل و برخوردار از قوت و متانت و قادر به تضمین سعادت انسان در دنیا و عقبی و پرورنده و اداره کننده جامعه‌ای متعادل بر پایه عدل و قسط. تأثیری که این گروه از متفکران که چندان زیاد هم نیستند، بر حیات فکری و اجتماعی جوامع اسلامی گذاشتند و می‌گذارند، عمیق و دیرپا و در واقع زمینه ساز تحولی اساسی در تاریخ امت است، تحولی که مسلمانان را آماده ورود به عصری تازه می‌کند و در پناه این تحول روحی و فکری، اسلام بستر مناسب خود را به منظور دستیابی به آفاق جدید حیات و بروز تواناییهای شگفت انگیز در تفسیر زندگی حقیقی انسانها و سیر به سوی کمال و سعادت واقعی می‌یابد و چشم انداز روشن و امیدبخشی را به روی اهل فکر و ذکر در جهان اسلام می‌گشاید.

بحث درباره شخصیت فکری و اجتهادی شهید عالمقام، آیت الله مطهری را که از نمایندگان برجسته این جناح و جریان است، به مجال دیگری وامی‌گذاریم و در اینجا به تناسب موقعیت، اجمالاً درباره شخصیت ممتاز یکی دیگر از چهره‌های درخشان حرکت سرنوشت ساز تفکر اسلامی، شهید بزرگوار، آیت الله سید محمدباقر صدر و مکانت والای او در حوزه اندیشه و جهاد اسلامی، مطالبی را بیان می‌کنیم.

شهید صدر، مجتهدی مجاهد و فقیه‌ی توانا و شخصیتی مسلط بر فلسفه و کلام و معارف و نابغه‌ای است که بزرگترین شاخصه تلاش فکری و اجتهادی او تلاش برای ارائه نظریه‌های مبتنی بر روش علمی و منطقی در برابر مکتبهای پر آوازه جدید و طرح اسلام به عنوان مکتبی برتر است.

نکته برجسته دیگر در اجتهاد علمی و جهاد فکری این بزرگوار که در واقع ثمره دید اول است، اثبات توانایی اسلام برای اداره جامعه بشری و نیز مجاهدت برای استقرار نظام اسلامی به جای نظامهای صرفاً بشری و در مقطع اخیر، بنیادهای کفرآمیز غربی و شرقی، است. بنا بر باور وی، این، مبرم‌ترین وظیفه عالمان دین باور اسلام و مهم‌ترین رسالت مسلمانان است که جز در دورانهای کوتاهی از حیات تاریخی خود، همواره محکوم ستم مستکبران و ستمکاران بوده‌اند.

در واقع، شهید صدر مؤید حرکت دوران سازی است که از دهها سال پیش به رهبری پیشوای والانگر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی، به رغم همه مشکلات ذهنی و عینی، با هدف سرنگونی نظام طاغوت و استقرار حکومت اسلامی و وصول به استقلال و آزادی آغاز شد و با درایت پیشوا و به برکت تحولی که در جان جامعه ایران ایجاد شد، مالا به تحقق جمهوری اسلامی انجامید و امیدهای ۱۴ قرنه مجاهدان راه حق و مجتهدان فرزانه در تاریخ خونبار اسلام را به واقعیتی عینی مبدل ساخت.

تلاش ارجمند شهید صدر را کسانیک قدر می‌دانند که از یک سو با همه وجود، معتقد به اسلام و خواستار عظمت و حاکمیت آنند و از سوی دیگر، با اوضاع و احوال پیچیده و پر تیش جهان کنونی و آنچه در عمق زندگی و زمانه ما می‌گذرد، آشنایند.

پیش تر به اشارتی بیان شد که تمدن و فرهنگ جدید غرب، تنها به نفی بنیادهای فکری و اجتماعی مورد باور و انس و

